

Reproducing the Codes of the Poem “Likulli Imri’in Min Dahrihi Mā Ta’awwada” by Al-Mutanabbi) Based on Roland Barthes’ Code Theory)



Doi: 10.22067/jallv16.i4. 2202-1107



Golafrooz Mohebbi¹

PhD student in Arabic language, Kashan University, Kashan, Iran

Ruhollah Sayadi Nejad¹

Associate Professor of Arabic Department, Kashan University, Kashan, Iran

Amirhossein Rasool Nia¹

Associate Professor of the Arabic Department of Kashan University, Kashan, Iran

Abbas Eghbali¹

Professor of Arabic Department, Kashan University, Kashan, Iran

Received: 21 April 2023 | Received in revised form: 6 August 2023 | Accepted: 13 September 2023

Abstract

Structural criticism is one of the analyses that flourished in the direction of meaning generation in the 20th century following Saussure's semiotics. "Roland Barthes" - a French semiotician and theorist - is among the critics of structuralism, the importance of his theories is in the pursuit of evolution and semiotic adventure and the creation of a kind of intellectual vitality in analysis, modern criticism and the flow of structuralism. He has presented a code-based model for text analysis, beyond which, with the help of the context of the text, it is possible to analyse the structure of different texts, without the need for the presence of the author, and only with the help of the expressive language of the text. This meaning-making model, which recognizes ciphers as the voice of the text, consists of; There are hermeneutic or enigmatic codes, proiretic or active codes, meaningful or implicit codes, symbolic or confrontational codes, and cultural or referential codes. The main goal of this article is the application of Barth's analysis approach to the meaning analysis and interpretation of the written text (Lekol" Amree Min Dahreh Ma Ta'awwda) by Motanbi, which is based on descriptive-analytical method. The result of the research shows that Barth's cryptography model shows the presence of ciphers in different parts of the body of the text, which shows a kind of semantic dispersion at the level of the text, and it can also be applied to classical poems. Revealing hermeneutic codes the poem is for the introduction of Saif al-Dawlah. Action codes. it also narrates his fighting as the main actor. Semantic ciphers and symbolic in pursuit of creating meaning for the two main and active characters of the text, Saif al-Dawlah and Mantabi, they have put two groups of good and evil in front of each other. The cultural macrocodes of the text also show its connection with the social and religious elements of power, acquisition and ideology and influence from them which is written in the final part Intertextuality with Nahj al-Balagha is used to create some kind of general information for the reader.

Keywords: Roland Barthes, Code Theory, Structural Criticism, Al-Mutanabbi, Semiotic Analysis.

¹. Corresponding author. Email : saiady@kashanu.ac.ir

زبان و ادبیات عربی، دوره شانزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۹) زمستان ۱۴۰۳، صص: ۱۷-۱

بازتولید رمزگان سروده «لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» متنبی

(بر اساس الگوی رمزگان رولان بارت)



(پژوهشی)

گل افروز محبی^۱ (دانشجوی دکتری زبان عربی دانشگاه کاشان، ایران)

روح‌الله صیادی‌نژاد^۱ (دانشیار گروه عربی دانشگاه کاشان، ایران، نویسنده مسئول)^۱

امیرحسین رسول‌نیا^۱ (دانشیار گروه عربی دانشگاه کاشان، ایران)

عباس اقبالی^۱ (استاد گروه عربی دانشگاه کاشان، ایران)

Doi: 10.22067/jallv16.i4. 2202-1107

چکیده

نقد ساختاری ازجمله تحلیل‌هایی است که در راستای معنازایی در قرن بیستم و در پی نشانه‌شناسی سوسوری به شکوفایی رسید. «رولان بارت» _نشانه‌شناس و نظریه‌پرداز فرانسوی_ از جمله منتقدان ساختارگرایی است که اهمیت نظریاتش در پی تحول‌زایی و ماجراجویی نشانه‌شناختی و ایجاد نوعی نشاط فکری در تحلیل‌ها، نقد مدرن و جریان ساختارگرایی می‌باشد. وی مدلی را مبتنی بر رمزگان جهت تحلیل متن ارائه نموده است که از ورای آن و با کمک بافت متن می‌توان بدون نیاز به حضور مؤلف و تنها به کمک زبان گویای متن به تحلیل ساختار متون مختلف پرداخت. این مدل معناساز که رمزگان را صدای متن می‌شناسد متشکل از رمزگان هرمنوتیک یا معنایی، رمزگان پروآیتریک یا کنشی، رمزگان معنایی یا ضمنی، رمزگان نمادین یا تقابلی و رمزگان فرهنگی یا ارجاعی است. هدف اصلی این مقاله، کاربرد رویکرد تحلیل بارت جهت معناکاوی و تفسیر متن سروده‌ی «لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» اثر متنبی است که مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. دستاورد تحقیق بیان‌گر آن است که مدل رمزگانی بارت گویای حضور رمزگان در نقاط مختلف پیکره‌ی متن است و نوعی پراکندگی معنایی در سطح متن را نمایان می‌سازد که بر متون منظوم کلاسیک نیز قابل اجراست. ظهور رمزگان معنایی سروده جهت معرفی سیف‌الدوله است. رمزگان کنشی نیز جنگاوری وی را به‌عنوان کنش‌گر اصلی، روایت می‌کند. رمزگان معنایی و نمادین در پی معناسازی برای دو شخصیت اصلی و فعال متن یعنی سیف‌الدوله و متنبی دو گروه خیر و شر را در مقابل هم قرار داده‌اند. کلان‌رمزگان فرهنگی متن نیز نشان‌گر پیوند آن با عناصر اجتماعی و اعتقادی قدرت، تکسب، ایدئولوژی و تأثیرپذیری از آن‌هاست که در قسمت پایانی سروده نوعی معلومات عمومی را برای خواننده خلق می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌گشایی، نشانه‌شناسی، رمزگان، رولان‌بارت، متنبی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۲

^۱. رایانامه‌ی نویسنده‌ی مسئول: saiad@kashanu.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از راه‌های رسیدن به لایه‌های فکری ادیب، واکاوی اثر وی و شناخت نشانه‌های بافت متنی است. گویا نویسنده در گوشه‌گوشه‌ی بافت اثر خویش، نظامی از نشانه‌ها را چنان به کار می‌گیرد تا به کمک آن‌ها مخاطب را به مقصد موردنظرش راهنمایی کند. هر چیزی در نظام نشانه‌ها سخن می‌گوید (ایکو، ۲۰۰۵: ۶۲-۵۷). کارکرد نشانه‌ها در متون مانند چراغ‌های راهنمایی است که در نبود ادیب، خود توانایی رساندن خواننده به مدلول را داراست. نشانه به اصطلاحات دال و مدلول برمی‌گردد (هلیدی، ۱۳۹۳: ۴۹) که محور اصلی بحث بسیاری از نظریه‌های نشانه‌شناسان به-شمار می‌رود. از آن‌جاکه دال نزد هر کسی به مدلولی ملموس با شرایط فردی او برمی‌گردد؛ لذا مدلول‌های فراوانی نمود پیدا می‌کنند. نشانه باید نمود ملموسی داشته باشد تا با حواس انسانی قابل درک باشد (احمدی، ۱۳۹۹ش: ۳۵). پیدایش مدلول و معنی در فرآیند نوشتاری، مؤید نظریه‌ی واسازی «دریدا» است که در آن نوشتار به حضور نویسنده نیاز ندارد. رولان بارت با گذر از نگاه ساختارگرایی در دهه‌ی هفتاد قرن بیستم از پرچم‌داران این نگاه دریدایی و پس‌اساختارگرایی است. در این عصر، جریان نشانه‌شناسی از سوسور فاصله می‌گیرد (تشاندرلر، ۲۰۰۸: ۴۲-۳۹) و به این نگرش پس‌اساختارگرایانه‌ی دریدایی می‌رسد؛ اما بارت با طرح مباحثی چون متن یک لذت است و خوشی متن معمولاً روش بیان آن است (Barthes, 1980:7) و نیز پرده‌برداری از وجهه‌ی رمزگانی متون ادبی، مورد توجه نشانه‌شناسان واقع می‌شود. وی نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه را به عنوان کدهای متعدد تنیده در متن مطرح می‌کند که با نگاهی همه‌جانبه به دال-های متن از آن‌ها در پنج سطح رمزگان هرمنوتیکی^۱ یا چیستانی، رمزگان پروآیروتنیک^۲ یا کنشی، رمزگان معنایی^۳، رمزگان نمادین^۴ و رمزگان فرهنگی^۵ یاد می‌کند. این نوع رمزگان که در جاهای مختلف متن گویای نوعی پراکندگی معنایی در بافت متن است و با شناسایی آن‌ها می‌توان به نظامی از مدلول‌ها رسید که معنی را بیان می‌کنند.

براساس آنچه که گفته شد پژوهش حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، الگوی رمزگانی بارت را در خوانش مدیحه‌ای از متنبی (قرن چهارم) به کار گیرد. هدف از این پژوهش معرفی الگوی رمزگانی بارت و تبیین روش نظام‌مند وی در باب تحلیل رمزگانی متون به مثابه درک جمع از متن است.

۱.۱. پرسش‌های پژوهش

نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستند:

۱. رمزگان معمایی در سروده متنبی چه معانی را به خواننده القا می‌نماید؟
۲. رمزگان پروآیروتنیکی در سروده در راستای معرفی کدام شخصیت است؟
۳. با استفاده از رمزگان ضمنی کدام مدلول‌ها را می‌توان پیرامون شخصیت سیف‌الدوله کشف کرد؟
۴. با کاربرست رمزگان تقابلی چه تضادها و تقابلهایی میان دو شخصیت اصلی سروده یعنی سیف‌الدوله و متنبی دیده می‌شود؟

۵. با کاربرست رمزگان فرهنگی پی به کدامین ویژگی اصلی روزگار شاعر می‌بریم؟

بدیهی است که فرضیه‌ی اساسی این پژوهش مبنی بر این است که الگوی رمزگان بارت با پیش‌کشیدن موضوع دلالت‌مندی بر آن است تا جزء جزء بافت متن را مورد کاوش قرار دهد و صداها را نهفته در متن را بازشناساند تا از

حصار ساختارگرایی فراتر رفته و متوجه توانش نوشتار شود. در ادامه پس از ارائه‌ی پیشنهادی مختصر در این باب به واکاوی رمزگانی بارت و کاربست آن در خوانش سروده پرداخته می‌شود.

۲.۱. پیشنهادی پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با موضوع نظریه رمزگان رولان بارت و دیوان متنبی صورت گرفته‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

محمد رحیمی‌خویگانی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «داستان «إِبْلِيسُ يَنْتَصِر» توفیق حکیم از منظر ساختارگرایانه‌ی بارت» مهم‌ترین یافته‌های پژوهش خویش را چنین بیان می‌کنند که مدل رمزگان بارت به‌خوبی می‌تواند بدون نیاز به عوامل پیرامونی چون ایدئولوژی مؤلف، تأثیرات جامعه و تنها با تکیه بر خودِ متن، معانی آن را روشن و مشخص گرداند.

عیسی متقی‌زاده و خاطره احمدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی «دلالة الالوان في شعر المتنبی» به واکاوی دلالت رنگ‌ها در شعر متنبی پرداخته‌اند. ازجمله دستاوردهای مقاله این است که شاعر هم به‌صورت تلویحی و هم تصریحی رنگ‌ها را ذکر نموده است. هم‌چنین بیش‌تر از رنگ‌های اصلی چون سیاه و سفید جهت بیان مقاصدش بهره برده است که فراوانی بالای رنگ سیاه در اشعار این شاعر گویای نگاه تشاؤمی اوست.

روح‌الله صیادی‌نژاد و عبدالحسین ذکایی (۱۳۹۸) در مقاله‌ی «شگردهای زبانی (دستوری و آوایی) متنبی در اقناع از منظر پراگماتیس» نتایج حاصل از این مقاله را چنین بیان می‌کنند که شاعر در انتقال انگیزه‌ها، عواطف و احساسات به مخاطبین جهت تثبیت و تأکید بیش‌تر معنا از کاربست‌های زبانی اقناع و مهم‌ترین آن‌ها هم‌چون تکرار و روش‌های هارمونی شعری هم‌چون توازن و تصریح بهره جسته است.

ناصر بن راشد بن شیخان (۲۰۱۸) در مقاله‌ی «سیمياء الجسد في شعر المتنبی»، دلالات «تن» را در شعر متنبی بررسی نموده‌است. تجلی مصادیق نشانه‌گان تن در جسم زن و جسم مرد ازجمله نتایج پژوهش می‌باشد. هم‌چنین به‌کارگیری آشنایی‌زدایی گویا و روش‌های مختلف به کمک اشارت‌های متضاد در آثار شاعر قابل بازشناسی است که بیش‌تر در غزل‌های متنبی نمود دارند.

همان‌گونه که از عناوین کاوش‌های مذکور برمی‌آید هرچندکه تحلیل‌های نشانه‌شناختی در آثار این شاعر صورت گرفته لیکن تاکنون هیچ پژوهنده‌ای به بررسی نشانه‌شناسی نظام رمزگانی این سروده‌ی متنبی و بازآفرینی آن نپرداخته است.

۲. ادبیات نظری

در راستای تحلیل اثر ادبی و رسیدن به لایه‌معنای متن، بایسته است ابتدا به تشریح مفاهیم اصلی ساختار نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه بارت پرداخته و آن‌گاه اثر ادبی مورد تحلیل قرار گیرد.

۲.۱. رمزگان

در سال ۱۹۱۵ سوسور در دوره‌ی زبان‌شناسی، جریان فکری و زبانی‌ای را پیش‌بینی می‌کند که برآن نام نشانه‌شناسی می‌نهد. «نشانه‌شناسی» دانشی است که به‌بررسی نقش نشانه‌ها چونان اجزای حیات اجتماعی می‌پردازد (Chandler, 1995: 2). این جریان با مباحثی چون دلالت، دال، مدلول، نظام زبان، هم‌زمان‌بودن نظام زبانی و ... پایه‌ریزی می‌شود که پردازش

زندگی نشانه‌ها را در دل زندگی اجتماعی پیگیری می‌کند. سوسور ذات زبان را متشکل از دال یا تصویر آوایی واژه و مدلول یا تصویر ذهنی و مفهومی آن معرفی می‌کند که رابطه‌ی ساختاری میان این دو را نشانه معرفی می‌کند (Danesi, 2004: 4). مانایی نشانه‌ها به میزان ملازمت با افکار جامعه بستگی دارد و اگر نگاه زایشی به زبان داشته باشیم به زندگی پایان‌ناپذیر نشانه‌شناسی نیز اذعان نموده‌ایم.

بارت با نگاهی ساختارشکنانه و گذر از نشانه‌شناسی سوسوری از چهره‌های سرشناس دیدگاه نشانه‌شناسی محسوب می‌شود. وی در مقاله‌ی معروف «مرگ مؤلف» که از آخرین آثار اوست، پیشنهاد می‌کند که نشانه‌ها، زبان گویای متن هستند و نبود مؤلف را جبران می‌کنند. در پی نگاه نوین بارت ضمن توجه به معنای هر عنصر، ارتباط پیکرواره‌ی آن با عناصر دیگر نیز مورد توجه قرار می‌گیرد و بدون این ارتباط کلی، معنای هر واژه، ثباتی ندارد. بارت در این مقاله معتقد است که «متن به نحوی فروناگسستگی متکثر است. یافته‌ای از صداها یا رمزگان‌هاست که نمی‌توان آن را به خاستگاه بیانی واحد در مؤلف گره زد» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

وی با اهمیتی که برای برداشت مخاطب از متن قائل می‌شود نه تنها مخاطب را عنصری غیرفعال و تنها، دریافت‌کننده نمی‌داند بلکه تولید معنای جدید را از خوانش هر خواننده‌ای حائز اهمیت می‌شناسد. استدلال بارت این است که متن، پیکره‌ای آمیخته با کدهای گوناگون است که هر یک چون صدایی از متن برمی‌آید و در برخی متن‌ها یک یا دو صدا غالب است. این رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که براساس آن، عناصری انتخاب می‌شوند که با دیگر عناصر ترکیب شده و عناصر جدیدی را می‌سازند (میرعمادی، ۱۳۸۶: ۷۳). بارت، وجود رمزگان که نظامی هدفمند از نشانه-هاست، را در بافت متن به پنج دسته‌ی کلی تقسیم می‌کند که بازشناساندن آن به‌نوعی به بازآفرینی متن می‌انجامد و می‌توان آن را حرکت از معنادهی به معنا افزایی خواند.

از میان این رمزگان، دو مورد هرمنوتیکی و پروآیرتیک به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود. سه رمزگان دیگر از مجموعه‌ی حوادث و منطق روایی این داستان فراتر می‌روند و به زنجیره‌های معنایی اشاره دارند (آلن، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۶). برای رسیدن به رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی باید تمام متن بررسی شود اما سه رمزگان دیگر با گسست از زمان می‌توان آن‌ها را در مقطعی از روایت نیز بررسی نمود و به خوانش متن با کمک آن‌ها دست یافت. نظریه‌ی رمزگان پنج‌گانه‌ی بارت در پی نوعی ساخت‌گشایی است که در بخش بعدی پژوهش تشریح می‌گردد.

۲.۲. رمزگان پنج‌گانه رولان بارت

بارت، بافتار یک متن را پیکره‌ای واحد با رمزگان متنوع معرفی می‌کند که بازشناسی این کدهای نهفته در متن به نوعی بازتولید متن می‌انجامد که زبان گویای آن محسوب می‌شود و نیاز به حضور مؤلف را از بین می‌برد. کدهای مختلف، راه‌های گوناگونی برای خواندن یک متن هستند. هربار متنی خوانده می‌شود، متفاوت از خواندن قبل است و در بازخوانی آن نیز معنای دیگری به چشم می‌خورد. بارت با گروه‌بندی دال‌های موجود در متن براساس نقشی که ایفا می‌کنند نظامی مشترک در همه‌ی متون را بیان می‌کند که هریک منظری از آن را نمایان می‌سازد.

تحلیل ساختاری بارت در پی آن است تا از نظام‌های زیرینی که عامل معنا سازی و معنازایی^۶ است، پرده بردارد. آغاز حرکتی که به خلق معنا توسط خواننده منتهی می‌شود و «راه‌های معنا را درنوردیده، روالی را مورد کاوش قرار می‌دهد

که معنا از آن طریق درون متن پراکنده می‌شود» (همان: ۱۳۹). در این بخش رموز پنج‌گانه‌ی رویکرد رولان بارت (مدل ۲.۲.۱) معرفی می‌شوند که در قسمت‌های بعدی پژوهش در بافت متن سروده «لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» متنبی بازشناسی می‌شوند.

۲.۲.۱. مدل رمزگان پنج‌گانه‌ی بارت



۲.۲.۱. رمزگان هرمنوتیک

«رمزگان هرمنوتیکی» همان معماهای متن است که با نوعی پنهان‌کاری جزئیات، تأثیر مکاشفه را افزایش می‌دهد. روش غافلگیری از شگردهای همراه‌ساختن خواننده با متن است که با حضور این کدها تأمین می‌شود. هر عنصری در متن توضیح داده نشده باشد به‌عنوان یک معما برای خواننده وجود دارد که نیاز به توضیح دارد و رمز هرمنوتیک به حساب می‌آید. هر متن می‌تواند یک معمای اصلی و تعدادی معمای فرعی داشته باشد. «پرداختن به سؤال اصلی داستان و حرکت به سمت پاسخ‌دادن به این سؤال در لابه‌لای تعابیر و واژگان و... امری است که در رمزگان هرمنوتیکی بدان پرداخته می‌شود» (Barthes, 1970: 17). هدف این نوع از رمزگان آن است که گویای پاسخی برای چرایی، چگونگی و چه‌چیزی و... در چیدمان واژگان متن باشد تا با ایجاد فرصت تأمل در ذهن مخاطب و مشارکت وی در تأویل، نوعی خوانش فعال را ایجاد کند. این نوع رمزگان را رمزگان چیستانی نیز می‌خوانند که می‌تواند گویای نام شخص، موقعیت مکانی و یا زمانی باشد.

هاوکس (۱۹۹۷) می‌گوید: رمزگان هرمنوتیکی به همه‌ی واحدهایی گفته می‌شود که نقش آن‌ها عبارت است از پرسش، پاسخ به آن و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤال را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی چیستانی را مطرح‌کنند و ما را به‌سوی آن رهنمون سازند... این در واقع همان رمزگان داستان‌گویی است که به‌واسطه‌ی آن در روایت، سؤالاتی به‌پیش افکنده می‌شود و تعلیق به‌وجود می‌آید و سرانجام به آن پاسخ داده می‌شود (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۴). هرچه جنبه‌ی پلیسی متنی بالاتر باشد نمود رمزگان هرمنوتیکی آن بیش‌تر است. متن‌های اسرارآمیز سرشار از این رمزهاست.

۲.۲.۲. رمزگان پروآیرتیک

کنش‌ها و اثرات آن‌ها گویای «رمزگان پروآیرتیک» می‌باشند که به بررسی واحدهای ساختاری متن می‌پردازند و عامل ایجاد کنش در آن هستند» (همان: ۱۷). این‌گونه رمزگان که به کنش و اثر آن در بافت متنی می‌پردازد رمزگان

کنشی نیز خوانده می‌شود که نقش نوعی راوی‌گری را در متن ایفا می‌کند. چینش صحنه‌های روایی این رمزگان در طول ساختار متن به‌مانند یک فیلم با صحنه‌های گوناگون است که مخاطب در ذهن خویش به آن می‌رسد. رمزگان هرمنوتیکی و پروآیتریکی در خدمت فرم و ساختار کلی متن به‌کار می‌روند و چون با نظم زمانی پیش می‌روند باید خواننده برای تأثیر کامل تا انتهای متن یا روایت پیش رود اما سه کد دیگر چون خارج از محدودیت زمانی هستند برای رسیدن به معنا نیازی به ترتیب زمانی ندارند.

۲.۲.۳. رمزگان معنایی

«رمزگان معنایی» از روساخت عبور کرده و نظر به ژرف‌ساخت دارد که دلالت ضمنی نیز خوانده می‌شود. در این نوع از رمزگان «بیش‌تر بر دلالت‌های روانی، احساسی و خصلت‌نما تأکید می‌شود» (همان: ۱۸). دربرگیرنده‌ی معناهای ضمنی با دلالت‌های خاص است که گاه از واژگان، تعبیر و جملات برداشت می‌شود. «هنر و ادبیات به آن دسته از پیام‌ها متعلق هستند که در آن‌ها، نقش مسلط را دلالت‌های ضمنی ایفا می‌کنند» (گیرو، ۱۳۸۰: ۴۷). این دال‌ها که در راستای عمق‌بخشی به بافت در خدمت متن هستند به‌صورت ضمنی و نه صریح بر مقصود نویسنده دلالت دارند. این رمزگان، بیان‌گر خصوصیات کنش‌ها یا رمزگان است که با آن اشاره می‌گردد و گاه گویای نوعی بینامتنیت است و با ایجاد شبکه‌ی متنی به غنی‌سازی نظام معنایی منجر می‌شود.

۲.۲.۴. رمزگان نمادین

تقابل و تضاد در همه‌ی عرصه‌ها به نوعی تبیین می‌انجامد که درک صحیح فضای ذهنی آفریننده‌ی آن را برای مخاطبین آسان می‌کند. این تقابل و تضادها در متن همان «رمزگان نمادین» هستند. کاربست شب و روز یا شجاعت و ترس در متن توسط ادیب، کاربست رمزگان نمادین است که با ایجاد نوعی بزرگ‌نمایی گویای زوایایی از ذهن اوست که به تقابل معنایی کوچک در برابر بزرگ، سفید در برابر سیاه، مفرد در برابر جمع و... می‌پردازد. در این نوع رمزگان «ما به دنبال نمادهایی هستیم که نویسنده به‌کار برده‌است» (Barthes, 1970: 17). رمزگان نمادین الگوهای برجسته-سازی در متون به‌شمار می‌روند.

۲.۲.۵. رمزگان فرهنگی

هر عنصری که به علم یا مجموعه‌ای از دانش برگردد رمزگان فرهنگی است. رمزگان فرهنگی «به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد که بیان‌گر نوعی شناخت کلی از فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی داستان (متن) است» (همان: ۱۸). رمزگان فرهنگی را «رمزگان ارجاعی» نیز می‌شناسند؛ چون نشانه‌های متنی را به فضای بیرونی ارجاع می‌دهند. نمادهای دینی و ضرب‌المثل‌ها از واضح‌ترین نمادهای فرهنگی به‌شمار می‌روند. این نوع رمزگان کلیت اثر را دربرمی‌گیرند لذا چهار رمزگان قبلی که عنوان گردید به‌نوعی از رمزگان فرهنگی متأثر می‌شوند. رمزگان فرهنگی را در بافت فرهنگی اجتماعی می‌توان یافت.

۳. پردازش تحلیلی موضوع

از پربرآرترین سال‌های زندگی متنبی - «ابوالطیب احمد بن الحسین» معروف به «متنبی» (الفخوری، ۱۳۹۲: ۵۹۷) - سال‌هایی است که در دربار سیف‌الدوله سپری می‌کند و بهترین مدح‌هایش را در وصف وی می‌سراید. بهانه‌ی سرایش سروده‌ی مورد پژوهش، نبرد بزرگی بود که با لشکریان رومی به سرکردگی «دموستیکوس» و در روز عید قربان صورت

گرفت. این نبرد با اقتدار سیف‌الدوله و شکست لشکریان رومی به پایان رسید. «دموستیکوس» فرار کرد و فرزند و لشکریانش به اسارت سیف‌الدوله درآمد (بینز، ۱۹۵۰: ۱۸۲-۱۶۷). نگارندگان در این جستار با کاربری نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت به واکاوی و بازتولید معانی و تفسیر متن سروده‌ی «لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا» اثر متنبی می‌پردازند.

۳. ۱. رمزگان هرمنوتیکی

همان‌طور که گفته شد، رمزگان هرمنوتیکی یا معمایی به دنبال پاسخ چرایی است که در ورای واژگان متن نهفته است و در بافت کلام، رسیدن به پاسخ و رمزگشایی از این کدها لذت خواننده را در فهم و درک عمیق‌تر فضای حاکم بر متن دوچندان می‌کند. یک شخصیت، یک موقعیت و یا یک عمل می‌تواند در سطح متن مشاهده شود و نشانه‌ای در پاسخ به پرسشی باشد که ادیب از پیش برای مخاطب طراحی کرده است. طرح اصلی متن توسط مؤلف به کمک این رمزگان ترسیم می‌شود. بازگشایی معما و رسیدن به پاسخ آن نوعی بازپردازی است که بارت در قالب رمزگان هرمنوتیکی آن را معرفی می‌کند و در نبود مؤلف، فضای معمایی و کاوش‌گری را به مخاطب القاء می‌کند.

در آغاز سروده برای این که شخصیت اصلی متن به کمک رمزگان هرمنوتیکی معرفی شود، موضوع «عادت» مطرح می‌شود. ابتدا، داشتن عادت بر همه‌ی انسان‌ها تعمیم آن‌گاه با جلب تفکر مخاطب و مقدمه‌چینی، دست به نوعی تجرید زده می‌شود و ممدوح از آن در داشتن عادت شگفت‌آور و بدیع جدا می‌شود. در نگاه بارت این آغاز، پاسخ به یک پرسش اصلی است. هسته‌ی اولیه‌ی واژگانی متن در پاسخ به سؤالاتی چون: متن از عادت چه کسی می‌خواهد سخن بگوید؟ این عادت چه ویژگی دارد که مورد توجه قرار گرفته است؟ آورده شده است.

«وَعَادَتْ سَيْفُ الدَّوْلَةِ الطَّعْنُ فِي الْعِدَا». (ترجمه) «و عادت سیف‌الدوله نیزه زدن در سینه‌ی دشمن است.»

عادت‌ها از روزمره‌گی‌های هر شخصی محسوب می‌شوند که برحسب ویژگی‌های فردی و شخصیتی از فردی به فرد دیگر متغیر هستند. قدرت و شجاعت ممدوح مورد وصف، تنها در بیان نوع عادت او نیست. در این متن میان اسم نقش اول سروده که برگرفته از یک سلاح سرد «سَیْف: شمشیر» (المتنبی، ۱۰۴۶: ۳۷۰) است. به کارگیری آن در رزم تن‌به‌تن پلی ایجاد کرده است که می‌تواند گویای نوعی شجاعت ویژه در رویارویی با دشمن باشد. پس از تثبیت منزلت وی در ذهن مخاطب با بیان این عادت که همیشه نیزه‌ی «الطَّعْن» خود را در سینه‌ی دشمن فرو می‌برد بر آن تأکید می‌شود. صحنه‌ی فروبردن نیزه در قلب دشمن زمانی محقق می‌شود که دشمن کاملاً مقهور شخص شده باشد. اصلی‌ترین معمای اثر درباره شخصیت اصلی و ویژگی‌های اوست که به وضوح نه تنها در بیت اول سروده بلکه در ابیات بعد نیز به آن پرداخته شده است.

نمود یکی دیگر از رمزگان معمایی بارت در بیت دوم این سروده به کارگیری واژه‌ی (أَسْعَدَا: خوشبخت‌ترین) است. خوشبخت بودن که در این متن از ویژگی‌های ممدوح شمرده می‌شود بیان‌گر نوعی نگاه تفائلی است. انسان‌ها همواره برای رسیدن به خوشبختی کوشیده‌اند. واژه‌ی (أَسْعَدَا) همان رمزی است که مخاطب با دیدن آن به دنبال دلایل خوشبختی ممدوح می‌گردد و متن به این معمای ذهنی چنین پاسخ می‌دهد که یکی دیگر از عادت‌های او، ناکام گذاشتن نقشه‌های شوم دشمنان و ناامید ساختن آن‌ها در اثرکردن افتراهایشان است.

«وَيُمْسِي بِمَا تَنْوِي أُعَادِيهِ أَسْعَدَا». (ترجمه) «و برخلاف آن‌چه دشمنانش نیت می‌کنند، خوشبخت می‌شود.»

ممدوح آن‌قدر خوب است که هیچ بدی در او راه ندارد لذا هرگونه بدگویی و بدخواهی‌ای از سوی دشمنان او ناکام می‌ماند. هرکس بخواهد به ممدوح ضرری برساند به خودش ضرر رسانده است. دلیل بر این مدعا سپاهی است که هرکسی بخواهد علیه او به راه اندازد در واقع سپاهش را به او تقدیم کرده و دست‌خالی برمی‌گردد.

«وَرُبُّ مُرِيدٍ صَرَّةٌ صَرَّ نَفْسُهُ وَهَادٍ إِلَيْهِ الْجَيْشُ أَهْدَى وَمَا هَدَى». (ترجمه) «چه بسا اراده‌کننده‌ای که می‌خواهد به او ضرر رساند اما به خود ضرر می‌رساند/ و چه بسا هدایت‌کننده‌ی لشکر به‌سوی او که (لشکرش را به او) می‌بخشد.»

شاعر سؤالی مبنی بر علت خوشبخت‌شمردن ممدوح در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که با اندکی تأخیر به آن جواب می‌دهد. پاسخ به سؤالات ذهن مخاطب اما با تأخیر، همواره از شگردهای نویسندگی در تنوع‌بخشی به متن است و بارت آن را لذت متن نام می‌نهد.

در بیت چهارم، صحنه‌ای پیش روی مخاطب طراحی می‌شود و در آن از دشمن مستکبری که با دیدن شمشیر شهادتین بر زبان جاری می‌کند، سخن به میان می‌آید.

«رَأَى سَيْفَهُ فِي كَفِّهِ فَتَشَهَّدَا». (ترجمه) «در یک لحظه با دیدن قدرت شمشیر در دستان او ناگهان شهادتین بر زبان جاری می‌کند.»

از آمدن حرف «فاء» بر سر واژه «فتشهدا» معنای ناگهانی و بلافاصله استنباط می‌شود (اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۵۶). دلیل مسلمان‌شدن دشمن کافر چیست؟! پاسخ این معما نیز به نفع ممدوح تمام می‌شود و قدرت و برق شمشیری که در دستان اوست عامل وحشت و ایمان‌آوردن دشمن کافر به مخاطب معرفی می‌گردد.

از شگردهای رمزگان هرمنوتیکی که در این مدح به‌کار گرفته شده‌است ایجاد سوال برای مخاطب درباره‌ی صفات و خصیصه‌های ممدوح است. رمز (ذکی: باهوش) نشانه‌ی دیگری است که در متن برای معرفی سیف‌الدوله به‌کار گرفته شده‌است.

«ذَكِيٌّ تَطَلَّيْهِ طَلِيعَةُ عَيْنِهِ/ يَرَى قَلْبُهُ فِي يَوْمِهِ مَا تَرَى غَدَا». (ترجمه) «او هوشیاری است که چشمش جلوتر از فردا اتفاقاتش را می‌بیند./ (به‌گونه‌ای که) امروز قلبش آنچه فردا خواهد دید (اتفاق خواهد افتاد) را می‌بیند.»

پیش‌بینی‌ها و دوراندیشی‌های سیف‌الدوله از عوامل موفقیت اوست که این ویژگی در متن به‌عنوان دلیل هوش و ذکاوت وی ذکر شده‌است.

در ده بیت آغازین با کمک کارکرد رمزگان معمای، ویژگی‌های فردی سیف‌الدوله معرفی می‌شود و از بیت یازدهم با ورود به میدان رزم و بازگویی صحنه‌های درگیری جنگ مسلمانان و رومیان و اتفاقات وابسته به آن باز هم شاهد حضور رمزگان هرمنوتیکی در متن جهت بیان برخی خصوصیات اجتماعی کنش‌گر اصلی سروده هستیم. ذهن خلاق ادیب معماهای پی‌درپی را طراحی می‌کند تا ذهن خواننده را مشتاقانه و کاوش‌گرانه با خود همراه سازد. در این سند تاریخی پیوسته از رمزگان هرمنوتیکی استفاده شده‌است تا آن‌جا که ذهن آدمی پس از یافتن پاسخ هر معما به وادی معمای بعدی ورود می‌کند به‌گونه‌ای که از انفعال خارج می‌شود. پردازش دیگری که شاهد آن هستیم روز عید قربان است که در آن ممدوح، خود عید خوانده می‌شود.

«هَتَيْنَا لَكَ الْعِيدُ الَّذِي أَنْتَ عِيدُهُ». (ترجمه) «بر تو باد عیدی که عامل شادی آن خودت هستی.»

حاکم چگونه می‌تواند عید باشد؟! تأخیر در پاسخ به این ابهام، کشش خواننده را در پی دارد. طبق متن، حاکم، عید و روز شکست دشمن و کشته‌های آن‌روز در تقابل با عادات روز عید ذکر می‌شود تا هم بر شوکت حاکم مورد وصف افزوده شود و هم به معمای ذهن مخاطب پاسخ داده شود. پس از آن حاکم در عرصه‌ای وسیع‌تر به‌عنوان دولت به مخاطب معرفی می‌شود. ابتدا نوعی شگفتی بیان می‌گردد آن‌گاه با طرح پرسش از خواننده خواسته می‌شود تا جوابی برای آن‌ها بیابد.

«فَيَا عَجَبًا مِنْ دَائِلٍ أَنْتَ سَيْفُهُ/ أَمَا يَتَوَقَّى شَفَرَتِي مَا تَقْلُدَا». (ترجمه) «شگفتا از صاحب‌دولتی که سیف‌الدوله را مأمور خود قرارداده‌است! تو شمشیر او هستی / آیا خلیفه خود را از این دولبه‌ی شمشیرش زمانی که آن را برگردن می‌اندازد، محافظت نمی‌کند؟!»

«وَمَنْ يَجْعَلِ الضَّرْغَامَ بَازًا لِصَيْدِهِ/ تَصِيدُهُ الضَّرْغَامُ فِيمَا تَصِيدَا». (ترجمه) «هرکس شیر را برای شکار مانند باز (شکاری) قرار دهد / (باید بداند که) شیر به‌جای شکار، شکارچی را صید می‌کند».

در دوبیت بالا، ابتدا از غفلت دولت عباسی نسبت به سیف‌الدوله اظهار تعجب می‌شود و آن‌گاه پاسخ داده می‌شود که سیف‌الدوله چون شمشیر دو دمی است که نباید از او غافل شد که اگر چنین شود مانند شیر است که به شکارچی خویش هم رحم نخواهد کرد و روزی برای دولت خطرآفرین خواهد بود.

در بیت سی‌وهشتم چنین سؤالی در ذهن خواننده ایجاد می‌شود که چرا باید طبق ادعای شاعر، حاکم به کسی جز وی پاداشی ندهد؟! از جمله دلایل آن قدرت شاعری او ذکر می‌شود و این‌که بقیه‌ی شاعران شعرهای او را تکرار می‌کنند و به نام خودشان تحویل حاکم می‌دهند و چنین ادعا می‌شود که شاعر چون صدا و دیگران چون بازتاب صدای او هستند:

«وَدَعَ كُلُّ صَوْتٍ غَيْرِ صَوْتِي فَإِنِّي/ أَنَا الصَّائِحُ الْمَحْكِيُّ وَالْآخِرُ الصَّدَى». (ترجمه) «هرگاه شاعری در مدح تو شعری سرود، تو پاداش آن را به من عطا کن / چراکه آن‌ها اشعار من است که شاعران دیگر تکرار می‌کنند».

وجود معماهای بسیار و پاسخ به آن‌ها نوعی تنوع در متن ایجاد کرده است که موجب لذتی مضاعف و دوچندان به مخاطب می‌شود.

۳.۲. رمزگان پروآیرتیک (کنشی)

در طول یک رویداد، مجموعه‌ای از کنش‌ها، اثرات کنش‌ها و رفتارهای ویژه و مدون و توالی‌ها صورت می‌پذیرد که به ساختار کلی آن رویداد می‌انجامد. سروده‌ی مورد بحث دارای شش توالی اصلی است. سیر روایی اثر را در این توالی‌ها می‌توان مشاهده نمود. ریزتوالی‌های بسیاری در طول این توالی‌ها موجود است که مجال پرداختن به آن‌ها نمی‌باشد. رخدادهای اصلی این سروده عبارتند از:

۱. وصف سیف‌الدوله از بیت اول تا بیستم. ۲. تهنیت عیدالأضحی به ممدوح از بیت بیست و یکم تا بیست و چهارم.
 ۳. نکوهش خلیفه عباسی در غفلت از قدرت سیف‌الدوله که در ضمن آن به مدحش پرداخته است از بیت بیست و - پنج تا بیست و هفتم. ۴. مدح سیف‌الدوله به کمک حکمت‌هایی که ویژه‌ی متنبی است از بیت بیست و هفتم تا بیت سی و دوم. ۵. مدح خود شاعر از بیت سی‌وسوم تا چهل و یکم. ۶. مدح سیف‌الدوله بیت چهل و دوم.
- رمزگان پروآیرتیکی شعر متنبی که به بهانه‌ی عیدالأضحی سروده شده است به‌صورت کنش‌های شش‌گانه‌ی اصلی در طول قصیده چهل و دو بیتی دیده می‌شود. از رویکردهای کنش‌های اصلی در متن، مدح و ذم جهت تهنیت و خودستایی - نوعی مدح خویشتن - است. ساختار کلی قصیده طبق شش روایت اصلی ترسیم شده است. این کنش‌های

اصلی شامل کنش‌های فرعی بسیاری است که طی آن‌ها اغراق فراوانی در مدح شاعر و یا مدح ممدوحش جهت ربایش قلوب دیده‌می‌شود. رمزگان کنشی، نقش موّقی در این زمینه ایفا نموده‌اند. ازجمله عادات خوب کنش‌گر اصلی، ناکام- گذاشتن نقشه‌های دشمنان با کمک نقشه‌ی آن‌ها علیه خودشان است (بیت اول).

پاره‌روایت دیگر متن از لشکریانی تشکیل شده‌است که فرماندهان آن‌ها را علیه وی هدایت کرده ولی دست خالی برگشته‌اند و همه‌ی آن‌ها به اسارت ممدوح درآمده‌اند (بیت سوم). در صحنه‌ی دیگر، انسان‌های کافر و خودخواه رومی دیده‌می‌شوند که دین اسلام را قبول ندارند ولی با دیدن برق شمشیر سیف‌الدّوله، شاهدتین را بر زبان جاری می‌سازند (فتش‌ها) و مسلمان می‌شوند (بیت چهارم).

صحنه‌ی آرامش و خشم ممدوح به آرامش و سکون دریا و طوفانی شدنش تشبیه شده‌است. شاعر توصیه می‌نماید برای استفاده‌ی بهینه از سخاوت و بخشش سیف‌الدّوله در زمان آرامش به او نزدیک‌شده و درخواست خود را از او بیان کنند و از لحظات خشم او برحذر باشند که هلاکت را در پی خواهد داشت. این ریزکنش نیز از تمهیدات سراینده است که جهت بالابردن منزلت سیف‌الدّوله طراحی شده‌است و نگاه مخاطب را به بازیگر اصلی صحنه‌ی متن تقویت می‌کند (بیت پنجم).

فضای دیگری از متن به عمل پادشاهانی (الملوک) می‌پردازد که خود روزی، سروران روی زمین بوده‌اند و مردم آن‌ها را تعظیم و کرنش می‌کردند و حال به علّت دشمنی و جنگ با سیف‌الدّوله‌ی حمدانی سر بر دار شده و در مقابل او به سجده افتاده‌اند (بیت هفتم). وصف اسبان سیف‌الدوله ترسیم ریزروایت دیگری است که از قدرت پیمایشی آن‌ها و خستگی‌ناپذیر بودنشان در رسیدن به آبشخورهایی در دوردست‌ها و دست‌نیافتنی سخن رانده است. وصف این صحنه‌ی دیداری و حرکتی تنوع خاصی به متن داده است (بیت دهم).

«دمستق» از جمله فرماندهانی است که به‌همراه پسر و لشکریانش مغلوب سیف‌الدّوله می‌شود که در این میان پسرش به اسارت سیف‌الدّوله درمی‌آید و خودش فرار می‌کند آن‌گاه این صحنه‌های شکست و ذلت در مخفی‌شدن دمستق در معبد از ترس (مَخَافَةً) و ندامت (تَائِباً) ذکر می‌شود تا شاهدی زنده بر قدرت و شوکت ممدوح باشد (بیت یازدهم تا بیت هجدهم). این صحنه روایت‌گر یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی است که در وصف قدرت ممدوح و تکمیل اولین روایت متن نمود پیدا کرده‌است. ریزکنش‌ها یا رمزگان پروآیرتیکی که طبق نظریه بارت شناسایی شده‌اند و مربوط به این روایت می‌باشند به‌صورت کلی در ذیل آورده شده‌است (جدول ۱-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۱	وَعَاذْتُ سَيْفَ الدَّوْلَةِ - الطَّعْنُ فِي الْعِدَا	«و عادت سیف‌الدوله - نیزه‌زدن در سینه دشمن»
۵	غُصَّ فِيهِ - سَاكِنًا	«نزدیک شد به او - آرام»
۷	تَطَلَّ مُلُوكُ الْأَرْضِ - خَاشِعَةً	«پادشاهان روی زمین - تسلیم»
۱۰	وَصُولٌ إِلَى - الْمُسْتَصْعَبَاتِ	«رسیدن به - جاهای سخت»
۱۸-۱۱	أَعْطَاكَ - ابْنَهُ وَخِيَوْشَهُ / يَجْتَابُ الْمُسُوحَ - مَخَافَةً ، تَائِبًا / تَرَهَّبْتَ - الْأَمْلَاقُ	«به تو بخشید - پسرش و لشکریانش / لباس صوفیانه دوخت - از ترس، توبه‌کننده / ترسیدند - پادشاهان»

پس از روایت صحنه‌های قدرت‌نمایی ممدوح، افکار مخاطب به صحنه‌ی شادی و موقعیت زمانی وارد می‌شود که بعضی از رفتارهای این صحنه‌ی شاد در سروده ذکر می‌شوند. عید قربان (العید) یکی از روزهای یگانه سال نزد مسلمانان می‌باشد. سیف‌الدوله چون روز بزرگ عید قربان در میان مردمان، یگانه (اوحدا) خوانده شده و به‌گونه‌ای استعاره‌ی لفظ عید قربان از وی عنوان شده است (بیت بیست و یکم تا بیست و چهارم) (جدول ۲-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۲۱	العید - سَمَی - ضَحَی - عَیدَا	«عید - بسم الله گفت - قربانی کرد - جشن گرفت»
۲۳	اوحدا - کان اوحدا	«یگانه - یگانه بود»
۲۴	اليوم - لليوم سیدا	«امروز - برای برترین روز»

۲-۲-۳

صحنه‌ی حماقت دولت عباسی (دائِل) در مقابل زیرکی و قدرت ممدوح - سیف‌الدوله - از جمله ریزکنش‌های دیگری است که ممکن است قدرت او صاحبش را نیز از پای درآورد و خود، زمام امور به دست گیرد (بیت بیست و پنجم تا بیست و هشتم) (جدول ۳-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۲۵	دائِل - أَنْتَ سِيفُهُ	«دولت - تو شمشیر (کارگزار) آن هستی.»

۳-۲-۳

صحنه‌هایی چون زجر دشمنان قدرت‌مند و آزاد که به اسارت سیف‌الدوله درآمده‌اند، تکریم انسان بزرگوار و نیز تکریم انسان لئیم ریزکنش‌های روایت نهفته در متن است (بیت بیست و هشتم و بیست و نهم) (جدول ۴-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۲۹	أَكْرَمَتِ الْكَرِيمَ - مَلَكْتُهُ / أَكْرَمَتِ اللَّئِيمَ - قَمَرُودَا	«بزرگواری را تکریم کنی - صاحبش می‌شوی / انسان پستی را تکریم کنی - از تو نافرمانی می‌کند»

۴-۲-۳

پادشاه از طریق مدح، سرشار از سرور می‌شود و به‌عنوان نقش اول روایت مورد تمجید قرار می‌گیرد. آنگاه سراینده است که مورد ستایش واقع می‌شود و صحنه‌هایی از شرایط اجتماعی و روحی و شخصیتی وی بیان می‌گردد تا بدین - وسیله ضمن اقناع حس خودپرستی، شرایط اجتماعی بالاتری برای او به دست آید و جای کنش‌گر اصلی تعویض می‌گردد. ریزکنش‌های روایی این صحنه شامل حقد حسودان، قدرت شاعری (قُلْتُ شِعْراً) و سخنوریش و ارادت به آستان ممدوح می‌باشد که رمزگان مربوط در پی آمده است (بیت سی و سوم تا بیت چهل و یکم) (جدول ۵-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۳۶	الدَّهْرُ - رُؤَاةَ قَلَائِدِي / قُلْتُ شِعْراً - الدَّهْرُ مُنْشِدَا	«روزگار - راویان قصائد / شعری گفتم - روزگار شعری سرود»

۵-۲-۳

در آخرین صحنه و روایت ششم، صحبت از غنای ممدوح (الغنی) به پیش کشیده می‌شود تا بدین وسیله تلافیف بیش تری از او جلب سراینده گردد (بیت آخر) (جدول ۶-۲-۳).

شماره بیت	ریزکنش	ترجمه
۴۲	الْغَنَى - كُنْتُ عَلَى بُعْدٍ	«بی‌نیازی - تو بر دورترین (بلندترین) بودی»

۶-۲-۳

در این سروده طبق رفتارهای دو شخصیت و کنش‌گر اصلی پادشاه (سیف‌الدوله) و شاعر (متنبی) طراحی اصلی روایت صورت گرفته است. دو رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی در خدمت فرم روایی متن هستند که ذهن را از نقطه‌ی آغاز به نقطه‌ی پایان راهنمایی می‌کنند و خواننده باید تمام روایت را تا انتها بخواند تا به آن‌ها دست یابد. بازسازی صحنه‌ها نقش مهمی است که رمزگان پروآیرتیکی در متون ایفا می‌کنند.

۳.۳. رمزگان معنایی

رمزگان معنایی که بارت مطرح می‌کند همان واحدهای کوچک معنایی هستند که بر چیز، شخص، و مکان و... دلالت دارند و پیام خاصی را تلویحاً به مخاطب منتقل می‌سازند. سوژه به کمک آن‌ها نظامی از نمادها و نشانه‌ها را دریافت می‌کند و نقش مهمی در رساندن پیام به مخاطب دارد. شیوه‌ای است که مخاطبان، معناها را براساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). از کمینه‌معناهای این سروده نام شخصیت اصلی متن (سیف‌الدوله) است که در اولین نگاه و در اولین بیت آمده است.

«سیف» یا شمشیر نماد جنگ و قدرت است. به کارگیری این دال کلیدی به همراه دال‌های دیگری چون «الطعن» یا نیزه و «العدا» یا دشمن در کنار هم به خواننده موقعیت جنگی را القا می‌کند. حضور این دال در متن از بافت موقعیتی گوینده خبر می‌دهد که کشتار و جنگاوری از اصول مهم زندگی بوده است؛ لذا اسم یک شخص به نام «سیف‌الدوله» با نام سلاح جنگی پیوند خورده است و مورد مدح واقع شده است.

«البحر: دریا» در «بیت پنجم» دال دیگری است که برای بیان سخاوت ممدوح به کار گرفته شده است. در بیت بیستم «يَعِدُّ لَهُ ثَوْبًا مِّنَ الشَّعْرِ أَسْوَدَ: لباسی از موی سیاه آماده کرده است» رمز پوشیدن لباس سیاه پس از شکست، دیده می‌شود. از این دال می‌توان به رسوم اجتماعی عصر نویسنده در بیان اندوه و عزاداری رسید. «ضَحَى: قربانی» در «بیت بیست و یکم» دال دیگری است که از آن به نوعی آداب اجتماعی و مذهبی می‌توان رسید که هم مقبول نویسنده و هم ممدوح اوست. «یوم‌الاضحی: روز قربانی دادن» این توصیف نیز دلالت ضمنی بر تعداد زیاد کشته‌های به‌جامانده از جنگ دارد و از قربانی روز عید قربان به قربانیان جنگ پادشاه با لشکر دشمن می‌توان رسید.

«تُسَلَّمُ مَخْرُوقًا وَتُعْطَى مُجَدَّدًا: کهنه را تسلیم می‌کنی و جدیدش را می‌گیری» دال دیگر متن در «بیت بیست و دوم» است که لباس کهنه را سال گذشته و لباس نو را سال جدید از آن اراده کرده است. «العین» در «بیت بیست و چهارم»: «هُوَ الْجَدُّ حَتَّى تَفْضَلَ الْعَيْنُ أَخْتَهَا: این بخت و اقبال است تا جایی که چشمی را بر چشم دیگری برتری می‌بخشد». وجود این نشانه، گواهی بر سیستم حکومتی عصر شاعر است که در آن دوره بر سران و ارکان حکومتی اطلاق شده است. «العین» در معنای مجازی آن یعنی ارکان حکومتی به کار گرفته شده است. «الضرغام: شیر» در «بیت بیست و ششم» رمزگان دیگری است که متن به کمک آن معنای ضمنی از قدرت و شجاعت را به مخاطب تلقین کرده است.

رمزگان معنایی یا ضمنی به کارگرفته در متن سروده از فراوانی بالایی برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره شد. رمزگان معنایی نیز حاوی معنای کلی از متن هستند و از آن‌ها می‌توان به برخی از موقعیت‌ها و امور متداول عصر نویسنده رسید.

۳. ۴. رمزگان نمادین

ازجمله فنون ادبی که غالباً در برجسته‌سازی بافت متن کاربرد دارد، تضاد یا تقابل می‌باشد. استفاده از اصل ساختاری عمیق‌تر با سازمان‌دهی اصل تضاد به کمک رمزگان نمادین صورت می‌پذیرد. این فرآیند با خلق تفکر قیاس‌مند، مخاطب را به دیدن مناظر متضاد و تفکر و همراهی عمیق‌تر فرامی‌خواند. رمزگان نمادین که رولان بارت مطرح می‌کند همان تقابل‌ها و تضادهاست که در متن دیده می‌شوند. سروده‌ی مورد بررسی حاوی رمزگان نمادین بسیاری است که طی جدول زیر (۳-۴-۱) به آن‌ها پرداخته شده‌است.

واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه	واژه	تقابل واژه
مُسْتَكْبِرٌ	فَتَشْهَدَا	الشَّرْق	الْقَرْب	الْكَرِيم	الْأَلِيم	شِعْرًا	مُنْشِدًا
سَاكِنًا	مُزِيدًا	تُسَلِّمُ	تُعْطِي	مَلَكُتُهُ	تَمَرَّدَا	سَارَ	لَا يَسِيرُ
يَقْتُلُ	يُحْيِي	عُزُوفًا	مَجْدًا	الْأَنَدَى	السَّيْف	عَنَى	لَا يُغْنَى
يَوْمَ	غَدًا	يَوْمَ	الْأَيَّامِ	رَأَى أَوْ حَكَمَهُ	نَفْسًا وَنَحْبًا	كُلَّ	غَيْرَ
مِمَّا تَأْتِي	مَوْلِدًا	الضَّرْغَامَ	بَارَا	يَذُقُ	يُزَكُّ	الصَّاحِحَ	الْصَدَى
أَعْطَى	لَمْ يُعْطِ	أَحْلِمَ	أَلْمَهْنَدَا	الْأَفْكَارَ	فَاعِلٌ	أَهْدَى	مَا هَدَى
أَلْعَاكَزَ	أَشَقَّرَ أَجْرَدَا	قَتَلَ	أَلْعَفُو	يَخْفَى	بَدَا		

۳-۴-۱ تقابل‌های دوتایی شعر «لَکُلِّ امْرِئٍ مِنْ دَهْرِهِ مَا تَعَوَّدَا»

رمزگان نمادین به الگوهای تضاد و تقابلی اشاره می‌کند که در یک متن قابل‌مشاهده است (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷). با واکاوی سروده به این دریافت می‌رسیم که بیست‌وهفت مورد رمزگان نمادین در سروده یافت می‌شود. در میان آن‌ها گاه یک واژه در وضعیت اسمی و تقابل با اسم دیگر مانند بیت پنجم (ساکنا، زبدا) گاه در جایگاه یک فعل و تقابل با فعل دیگر مانند (أعطى، لم يُعط) و یا در مقابل یک اسم مثلاً (قَتَلَ، أَلْعَفُو) مشاهده می‌شود. اغلب رمزگان نمادین سعی در بزرگ جلوه‌دادن نیکی‌های ممدوح در برابر بدی‌های دشمنان او دارد و با این تنوع در انتخاب نوع نمادها است که مخاطب مجذوب متن و همراه آن می‌شود.

۳. ۵. رمزگان فرهنگی

خصوصیات فرهنگی و اجتماعی جوامع اثرات مستقیمی بر سیاق متون دارند. این رمزگان دربرگیرنده‌ی نظام‌های دانش مختلفی است که متن به آن‌ها ارجاع داده می‌شود. ویژگی‌های فیزیکی، ادبی و تاریخی می‌تواند نمونه‌هایی از نظام‌های مشترک دانش جهانی باشد. رمزگان فرهنگی جلوه‌ی بارز خود را در یک آوای جمعی و بی‌نام که در تجربه‌ی سستی آدمی ریشه دارد، می‌یابد (پین، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در نقطه‌نظر بارت همه‌ی رمزگان‌ها از یک نظر فرهنگی به‌شمار

می‌روند؛ اما بارت رمزهایی که در قالب مرجعیت علمی یا اخلاقی قرار می‌گیرند را فرهنگی برمی‌شمارد؛ به همین علت بر آن‌ها رمزگان «مرجع» نام نهاده‌اند (آلن، ۱۳۹۲: ۱۳۸). در این سروده به جنگ میان مسلمانان و اعراب در عصر ظهور اثر اشاره شده است که این عنصر تاریخی و حوادث مربوط به آن از جمله رمزگان فرهنگی سروده محسوب می‌شوند.

در قصیده‌ی مورد کاوش، تقابل دو گروه مسلمان و غیرمسلمان از اعراب و رومیان در ابیات زیر به تصویر واژگان درآمده است: (وُؤسْتَكْبِرَ لَمْ يَعْرِفِ اللّٰهَ سَاعَةً * رَأَى سَيْفَهُ فَي كَفَّه فَتَشَهَّدَا /... لِذَلِكَ سَمَى «ابن الدُّمُسْتَقِ» يَوْمَهُ * مَمَاتًا وَسَمَاءَ «الدُّمُسْتَقِ» مَوْلِدَا / سَرَيْتَ إِلَى جِيحَانٍ مِنْ أَرْضِ آمِدٍ * ثَلَاثًا لَقَدْ أَدْنَاكَ رَكْضٌ وَأَبْعَدَا / فَوَلَّى وَأَعْطَاكَ ابْنَهُ وَجُيُوشَهُ * جَمِيعًا وَلَمْ يُعْطِ الْجَمِيعَ لِيُحْمَدَا /... وَمَا طَلَبْتَ زُرْقَ الْأَسِنَّةِ غَيْرَهُ * وَلَكِنْ «قُسْطَنْطِينَ» كَانَ لَهُ الْفِدَا /... هِنِينَ لَكَ الْعَيْدُ الَّذِي أَنْتَ عَيْدُهُ * وَعَيْدٌ لِمَنْ سَمَى وَضَحَّى وَعَيْدَا). باتوجه به این که درگیری در روز عید قربان صورت گرفته به همین دلیل پیروزی و قدرت‌نمایی عرب‌های مسلمان به سرکردگی سیف‌الدوله از زوایای مختلف در متن مشاهده می‌شود. عرب‌ها با آمادگی بالا و فرماندهی شکوهمند سیف‌الدوله به میدان نبرد با لشکر رومیان - متشکل از روس‌ها، رومی‌ها، ارمنی‌ها، بلغاری‌ها، سقلابی‌ها و... به سرکردگی دمستق برداس - رفته و مسلمانان با اقتدار کامل پیروز و لشکریان دمستق اسیر می‌شوند و دمستق پا به فرار می‌گذارد. صحنه‌هایی از رزم‌آوری سیف‌الدوله، مسلمان شدن و گرفتن شهادتین توسط رومیان، فرار دمستق و اسارت پسرش هم‌چنین درآمدزایی و تکسب شاعران متملق در این قصیده واحدهای فرهنگی و اخلاقی دیگری هستند که متن درصدد بازگو نمودن آن‌ها برآمده است. وجوه مختلف ستایش‌گری در عصر سرایش متن، عنصر غالبی است که به رویکردهای اخلاقی و اجتماعی جامعه ارجاع می‌دهد.

نتیجه

مهم‌ترین دستاوردهایی که نویسندگان در این جستار به آن دست یافتند این است که:

بررسی‌های صورت گرفته در واژگان سروده‌ی مورد پژوهش، گویای این مساله است که: سروده، ظرفیت رمزگان پنج‌گانه‌ی نظریه‌ی بارت را در راستای معنا رسانی و اثربخشی داراست. این رمزگان وجوه چندظرفیتی متن را در راستای مجموعه‌ای از معناها بیان نمودند. رمزگان معنایی سروده با معمای اصلی عادت‌های همیشگی ممدوح آغاز شده و متن به دنبال پاسخ‌گویی به انواع این عادت‌هاست که در هم‌نشینی با بقیه‌ی ابیات به آن پرداخته می‌شود. حاصل بررسی رمزگان پروآیرتیکی متن، نشان از تحرک‌نمایی و کنش‌آفرینی در راستای شناساندن شخصیت سیف‌الدوله به - عنوان نقش اول روایت‌ها دارد. رمزگان ضمنی، نمادین و فرهنگی نیز در راستای معرفی سیف‌الدوله نقش‌آفرینی می‌کنند. رمزگان ضمنی، مدلول‌هایی را بر محور شخصیت اصلی یعنی سیف‌الدوله و یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فرعی یعنی متنبی ارائه و خصوصیات پنهان در وجود آن‌ها را آشکار می‌سازد. رمزگان‌های نمادین نیز با ارائه‌ی واحدهای تقابلی به نوعی نیک‌نمایی از این دو شخصیت در برابر دشمنان‌شان می‌پردازند و مهم‌ترین شاخصه‌ی سیف‌الدوله را قدرت او در برابر ترس و ضعف دشمنان و شاخصه‌ی اصلی متنبی را قدرت سرایندگی وی در برابر رقیبان شاعرش که تنها کارشان سرقت ادبی از وی بوده‌است، بیان می‌دارند. رمزگان فرهنگی نیز به عنوان رمزگان کلان از مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی در آن دوره عنصر اعتقاد، قدرت و تکسب و هم‌چنین تملق را معرفی می‌نماید. براساس کارکردهای معنایی رمزگان به کارگرفته در متن می‌توان به طور کلی چنین برآورد نمود که رمزگان هرمنوتیکی یا معنایی

به همراه رمزگان پروآیرتیکی یا کنشی در پی همراه ساختن خواننده از طریق معناسازی و روایتگری هستند و رمزگان نمادین، ضمنی و فرهنگی نیز با معناسازی، پویابودن متن را تأیید می نمایند.

پی نوشت ها

- ۱- Hermeneutic codes
- ۲- Proaertic ciphers
- ۳- Meaningful passwords
- ۴- Symbolic passwords
- ۵- Cultural codes
- ۶- Significance

کتابنامه

۱. نهج البلاغه.
۲. آلن، گراهام. (۱۳۹۲). رولان بارت. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. چاپ دوم. تهران: مرکز.
۳. احمدی، بابک. (۱۳۹۸). ساختار و تأویل متن. چاپ بیست و یکم. تهران: مرکز.
۴. احمدی، بابک. (۱۳۹۹). از نشانه‌های تصویری تا متن. چاپ هجدهم. تهران: مرکز.
۵. اصفهانی، سیدمرتضی. (۱۳۸۶). کاوش‌های نحوی و ادبی (شرح کامل مغنی اللیب). ج ۱. مؤسسه بوستان کتاب.
۶. ایکو، امبرتو. (۲۰۰۵). السیمیائیه و فلسفه اللغة. ترجمه احمد الصمعی. الطبعة الأولى. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه.
۷. برقو، عبدالرحمان. (بی تا). شرح دیوان متنبی. بیروت: دارالکتب العربی.
۸. بینز، نورمان. (۱۹۵۰). الإمبراطورية البیزنطیة. تعریب: حسین مؤنس و محمود یوسف زاید. الطبعة الأولى. القاهرة - مصر: مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر.
۹. پین، مایکل. (۱۳۹۲). بارت و فوکو و آلتوسر. ترجمه‌ی پیام یزدانجو. تهران: چاپ چهارم. مرکز.
۱۰. تشاندلر، دانیال. (۲۰۰۸). أسس السیمیائیه. ترجمه طلال وهبه. الطبعة الأولى. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه.
۱۱. الدسوقی، عبدالعزیز. (۲۰۰۶). ابوطیب المتنبی. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسة.
۱۲. رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). انواع ادبی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۳. شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۳). تحلیل نشانه معناشناختی تصویر. چاپ اول. نشر علم.
۱۴. صفوی، کورش. (۱۳۹۷). تعبیر متن. تهران: نشر علمی.
۱۵. گرمس، آلژیرداس ژولین. (۱۳۸۹). نقصان معنا. ترجمه: حمیدرضا شعیری. چاپ اول. تهران: علم.
۱۶. گیرو، پی‌یر. (۱۳۸۰). نشانه‌شناسی. ترجمه: محمد نبوی. چاپ اول. تهران: آگه.
۱۷. الفاخوری، حنا. (۱۳۹۲). تاریخ الأدب العربی. چاپ هفتم. تهران: توس.
۱۸. المتنبی، احمد بن الحسین. (۱۰۴۶). دیوان المتنبی. بیروت: دارصار.
۱۹. میرعبادی، سیدعلی. (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی. چاپ اول. تهران: معرفت و زبان‌آموز.
۲۰. وزین‌پور، نادر. (۱۳۷۴). مدح داغ ننگ در ادب فارسی. تهران: معین.
۲۱. الوصیف، ابراهیم، الوصیف، هلال. (۲۰۰۶). التصوير البیانی فی شعر المتنبی. القاهرة: مكتبة وهبة.

۲۲. الیازجی، ناصیف. (بی تا). *العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب*. بیروت: دارصادر.
۲۳. آذرشب، محمدعلی. امین مقدسی، ابوالحسن. نیاززی، شهریار. بیات، موسی. (۱۳۹۶). «نشانه‌شناسی عنوان قصیده (حفر علی یاقوت العرش) سروده محمدعلی شمس‌الدین». *مجله زبان و ادبیات عربی*. دوره ۹. شماره ۱۶. صص ۱-۲۶.

doi: 10.22067/JALL.V8I16.62327

24. Chandler, Daniel. (1995). **Semiotics for Beginners**. Landon: Routledge.
25. Danesi, Marcel. (2004). **Messages, Signs and Meanings**. Toronto: Canadian Scholars Press Inc.
26. Barthes, Roland. (1970). **S/Z**. Paris: Seuil.
27. Barthes, Roland. (1980). **Sad. Fourier. Loyola**. Paris.
28. Trifonas P.P. (2001). **Barthes and the Empire of Signc**. Series Editor: R. Appignanesi. UK and USA: Icon Books, and Totem Books

References

- Nahj al-Balagha. [In Arabic].
- Ahmadi, B. (2018). *Text structure and interpretation*. 21st edition. Tehran :Center publication. [In Persian].
- _____. (2019). *From visual signs to text*. 18th edition. Tehran: Center publication. [In Persian].
- Allen, G. (2012). *Roland Barthes. Translation of Payam Yazdanjo*. second edition. Tehran: Center publication. [In Arabic].
- Al-Dasuqi, A. A. (2006). *Abu Taib al-Mutanabi*. Beirut: Al-Arabiya Foundation for Studies. [In Arabic].
- Alfa Khouri, H. (2012). *History of Arabic literature*. The seventh edition. Tehran: Tos. [In Arabic].
- Al-Mutanbi, A.H. (1046). *Diwan al-Mutanabi*. Beirut: Darsar. [In Arabic].
- Al-Wasif, I& Al-Wasif, H. (2006). *Al-Mujab al-Bayani in al-Mutanabi's poetry*. Cairo: Wahba School. [In Arabic].
- Azarshab, M. A. Amin-Moghdisi, A. Niazi, S. Bayat, M. (2016). "The semiotics of the title of the ode (Hafr Ali Yaqut al-Arsh) composed by Muhammad Ali Shams-al-Din" *Journal of Arabic language and literature* 9(16). Number 16. 1-26.
- doi: 10.22067/JALL.V8I16.62327. [In Persian].
- Barquqi, A. (n.d). *Description of Diwan Mantabi*. Beirut: Dar al-Kitab-al-Arabi. [In Arabic]
- Baynes, N. (1950). *Byzantine Empire*. Translated by: Hossein Mounes and Mahmoud Yusuf Zayed. first edition Cairo - Egypt: Authoring, Translation and Publishing Committee Press. [In Arabic].
- Chandler, D. (2008). *The basis of al-Simaiyeh*. Translated by Talal Wehbe. first edition Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya Center for Studies. [In Arabic].
- Esfahani, S. M. (2007). *Syntactic and literary explorations (full description of Mughni-al-Labib)*. C1. Bostan Kitab Institute. [In Persian].
- Eliazji, N. (n.d). *Al-Araf al-Tayib in the description of Abi-al-Tayib's court*. Beirut: Dar Sader. [In Arabic].
- Giro, P. (2001). *semiotics Translation: Mohammad Nabavi*. First Edition. Tehran: Ad. [In Persian].
- Grems, A. J. (2010). *lack of meaning Translation: Hamidreza Shayiri*. First Edition. Science Publications. [In Persian].
- Iko, U. (2005). *Al-Simaiyyeh and philosophy of language*. Translated by Ahmad Al-Samai. first edition Beirut: Al-Wahda Al-Arabiya Center for Studies. [In Arabic].

- Mirabadi, S. A. (2005). *Descriptive culture of semiotics*. First Edition. Tehran: Marafet and language learner. [In Persian].
- Payne, M. (2012). *Barthes, Foucault and Althusser*. Translation of Payam Yazdanjo. Tehran: 4th edition. Center. [In Persian].
- Razmjo, H. (1995). *Literary types*. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian].
- Safavi, K. (2017). *Interpretation of the text*. Tehran: Scientific Publication. [In Persian].
- Shayiri, Hamidreza. (2013). *Analysis of the semantic sign of The Image*. First Edition. Science publication. [In Persian].
- Vezinpour, N. (1995). *Hot praise and shame in Persian literature*. Tehran: Moin. [In Persian].